

# قراردادهای نفتی و روند قیمتی نفت خام

خواهد نمود و اگر قیمت نفت افزایش یافت نفت (یا میعانات) کمتری را بدست خواهد آورد. اما در قراردادهای مشارکت در تولید بر اساس توافق انجام شده در قرارداد، درصدی از نفت استحصالی بابت بازگشت اصل و فرع سرمایه به سرمایه‌گذار تعلق دارد بنابراین اگر، قیمت‌های جهانی نفت در زمان به پایان رسیدن پروژه و آغاز بهره‌برداری از مخزن نسبت به زمان عقد قرارداد کاهش یافته باشد ممکن است سرمایه‌گذار حتی متضرر شود و در این حالت سود سرمایه‌گذار کمتر از قرارداد بیع متقابل خواهد بود و بر عکس اگر قیمت‌ها افزایش یابد سرمایه‌گذار سود بسیار بیشتری در مقایسه با بیع متقابل خواهد برد و علاوه بر سود سرمایه‌گذاری از محل افزایش قیمت جهانی نفت نیز منتفع می‌گردد چراکه سهم نفتی که در زمان عقد قرارداد جهت جبران سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده بود اینک ارزش بیشتری پیدا کرده‌است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به عبارت دیگر تفاوت اصلی این دو نوع قرارداد در مقایسه میزان ریسک و سود آنهاست. قرارداد بیع متقابل فاقد ریسک تغییر قیمت‌های جهانی نفت است اما قرارداد مشارکت در تولید دارای چنین ریسکی است. در قرارداد مشارکت در تولید در صورتیکه در دوران بازگشت سرمایه قیمت‌ها کاهش قابل توجهی پیدا کنند ممکن است شرکت نفتی سرمایه‌گذار متضرر شود اما در صورت افزایش قیمت‌ها در این دوران شانس سود بیشتر را در طول قرارداد دارد، اما نه چنان ریسک و نه چنین شانس برای قراردادهای خدماتی و از جمله بیع متقابل وجود ندارد.

از آنچه ذکر شد می‌توان این نتیجه را گرفت که ترجیح شرکت‌های نفتی خارجی در انتخاب نوع قرارداد با توجه به پیش‌بینی که از روند قیمت‌های جهانی نفت دارند متفاوت است. به عنوان مثال اگر پیش‌بینی شرکت‌ها این باشد که در طول دوران بازگشت سرمایه و یا طول مدت قرارداد قیمت نفت ثابت خواهد ماند و یا نوسان عمده‌ای وجود نخواهد داشت، در واقع این به آن معناست که رابطه بشکوه و قیمت ثابت خواهد بود و به عبارتی تفاوتی بین سهم پولی یا نفتی وجود نخواهد داشت بنابراین در چنین شرایطی ممکن است برای این شرکت‌ها تفاوتی میان قراردادهای خدماتی (بیع متقابل) و مشارکت در تولید وجود نداشته باشد. در شرایطی که پیش‌بینی شرکت‌ها این باشد که قیمت‌های آتی نفت سیر نزولی خواهند داشت ممکن است قراردادهای خدماتی را به قراردادهای مشارکت در

قرارگرفتن قیمت‌های جهانی نفت در سطوح بالا و نیز در روند افزایشی که در دو سال گذشته اتفاق افتاد، اینک ابعاد جدیدی از تفاوت میان انواع قراردادهای نفتی آشکار گردیده است. بدلیل حساسیتی که در بین کارشناسان و سیاسیون در مورد برنامه‌های صنعت نفت و قراردادهای "بیع متقابل" وجود داشته، در گذشته بحث و بررسی‌های زیادی در مورد انواع قراردادهای نفتی و مقایسه بین آنها خصوصاً از نظر نحوه تسهیم منافع میان دولت (شرکت ملی نفت) و شرکت نفتی سرمایه‌گذار به عمل آمده است، اما شاید تاکنون به بحثی که در ستور آینده به آن خواهیم پرداخت کمتر توجه شده باشد.

سؤال این است که آیا شرکت‌های نفتی بین‌المللی در روندهای مختلف قیمت نفت و بر مبنای پیش‌بینی که از روند قیمت‌ها دارند نوع خاصی از قرارداد توسعه‌ای بالادستی را ترجیح می‌دهند؟ و آیا اصولاً پیش‌بینی شرکت‌ها از روند قیمت‌های جهانی نفت تأثیری بر انتخاب و تاکید ایشان بر نوع خاصی از قرارداد دارد یا نه؟ شواهد حاکی از آن است که روند قیمت‌ها و پیش‌بینی آن یکی از عوامل تأثیرگذار بر انتخاب نوع قرارداد است.

در میان انواع قراردادهایی که معمولاً میان شرکت‌های ملی نفت و یا دولت‌ها در کشورهای صاحب ذخائر نفتی و شرکت‌های خارجی برای استخراج و توسعه ذخائر هیدروکربوری منعقد می‌گردد، قرارداد مشارکت در تولید و قراردادهای خدماتی (که قرارداد بیع متقابل نیز نسخه‌ای از آن است) دو نوع از رایج‌ترین آنها هستند و لذا مقایسه را به این دو نوع قرارداد محدود کرده‌ایم.

یکی از تفاوت‌های اصلی و کلیدی میان این دو نوع قرارداد در نحوه بازپرداخت آنها از نظر نقدی بودن بازپرداخت یا سهم بردن از نفت خام تولیدی است. در قراردادهای بیع متقابل در واقع محاسبه بازگشت اصل و فرع سرمایه به صورت نقدی است. درست است که نفت تولیدی مخزن به نوعی به عنوان وثیقه سرمایه‌گذار تلقی می‌شود و بخشی از تولید مخزن بر اساس مطالعه انجام شده و طرح جامع تولید مخزن (MDP) جهت بازپرداخت سرمایه در نظر گرفته می‌شود اما در حقیقت ارقام پولی (دلاری یا یورویی) مربوط به اقساط بازپرداخت سرمایه، با قیمت روز بازار تبدیل به نفت (یا میعانات گازی در حوزه‌های گازی) می‌گردد و طبیعتاً اگر قیمت نفت کاهش یافت پیمانکار سرمایه‌گذار بابت اقساط خود نفت بیشتری را تصاحب

تولید ترجیح دهند و در نقطه مقابل اگر پیش‌بینی شرکت‌ها این باشد که قیمت‌های نفت در مسیر افزایش قرار خواهند گرفت قطعاً قراردادهای مشارکت در تولید را به قرارداد خدماتی ترجیح خواهند داد.

اگر ریسک افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنعت نفت (Capex) را نیز به مسأله اضافه کنیم موضوع قدری پیچیده‌تر می‌شود. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که این هزینه‌ها از قیمت‌های جهانی نفت تأثیر می‌پذیرد و با افزایش قیمت جهانی نفت افزایش می‌یابد. البته این به آن معنا نیست که هزینه‌های مذکور تنها تابعی از قیمت‌های جهانی نفت باشند اما قیمت‌های بالای نفت از طریق تأثیرگذاری بر هزینه‌های تأسیسات و تجهیزات و خدمات و نیز از طریق تقاضایی که برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های نفتی ایجاد می‌کند و به عبارتی تقاضا برای کالاها و خدمات مورد نیاز صنایع نفت را افزایش می‌دهند موجب افزایش هزینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی صنعت نفت می‌گردند. بنابراین شرکت‌های نفتی در شرایط افزایش قیمت‌های نفت با ریسک افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری هم روبه‌رو هستند. در قراردادهای مشارکت در تولید این ریسک می‌تواند با فرصت سود بردن از افزایش قیمت آن میزان از نفتی که سهم شرکت خارجی است جبران شود اما در قرارداد خدماتی سرمایه‌گذار خارجی بدون اینکه چنین فرصتی را داشته باشد با ریسک افزایش هزینه‌ها نیز مواجه است البته در قراردادهای خدماتی ممکن است بتوان تا حدودی این ریسک را کاهش داد اما این روش مشکلاتی را در مدیریت هزینه‌های پروژه به وجود می‌آورد.

در صورت صحت تحلیل فوق می‌توان نتایج زیر را حاصل نمود:  
۱- در انتخاب نوع قرارداد علاوه بر تفاوت‌های دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت ریسک و پاداش قراردادها در شرایط مختلف از پیش‌بینی روند جهانی قیمت‌های نفت نیز باید مورد ملاحظه قرار گیرد. بنابراین ممکن است نتوان یک نوع قرارداد را برای هر گونه مخزن هیدروکربوری با هر درجه‌ای از ریسک و یا در هر شرایطی از روند هزینه‌های سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و نیز در هر روندی از قیمت‌های جهانی نفت در نظر گرفت.

۲- شرکت‌های نفتی فعال در سطح بین‌المللی بسته به فرصت‌های سرمایه‌گذاری که دارند انتخاب‌های متفاوتی خواهند داشت و در شرایطی که روند هزینه‌های سرمایه‌گذاری و قیمت‌های جهانی نفت را ثابت پیش‌بینی کنند ممکن است حوزه ترجیحات ایشان بر سایر تفاوت‌های میان انواع قراردادها متمرکز شود و از این جهات (هزینه‌های سرمایه‌گذاری و قیمت نفت) نوع خاصی از قرارداد را ترجیح ندهند. در شرایطی که روند افزایشی برای قیمت‌های جهانی نفت پیش‌بینی می‌شود ممکن است تنها شرکت‌هایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری محدودی را در اختیار دارند قراردادهای خدماتی از

نوع بیع متقابل را ترجیح دهند.

۳- البته تجربه‌های تاریخ صنعت نفت نشان داده است که روند بلند مدت قیمت‌های جهانی نفت روندی افزایشی است و شاید بهمین دلیل است که شرکت‌های نفتی اصولاً قراردادهای مشارکت در تولید را ترجیح می‌دهند چون دوره قراردادهای مشارکت در تولید نیز طولانی است. اما در کوتاه مدت و میان مدت، ریسک افت قیمت‌ها وجود دارد و دوره قراردادهای خدماتی نیز طولانی نیست و لذا در شرایطی که پیش‌بینی روند قیمت‌های کوتاه مدت و میان مدت افزایشی نباشد ممکن است شرکت‌ها به قراردادهای خدماتی هم تمایل نشان دهند.

۴- باتوجه به عدم تقارن اطلاعات میان دولت‌های میزبان و شرکت‌های نفتی بین‌المللی و اطلاعات و آمار بیشتری که خصوصاً در اختیار شرکت‌های با سابقه و مشهور نفتی بین‌المللی وجود دارد و باتوجه به مطالعات و پیش‌بینی‌های ایشان، شاید از ترجیحات و اصرارورزی ایشان بر نوع خاصی از قراردادها نیز بتوان پیش‌بینی‌هایی را در مورد روندهای آتی قیمت‌های جهانی نفت استنباط نمود.

۵- قراردادهای بزرگ مشارکت در تولید در شرایط افزایش قابل توجه در قیمت‌های جهانی نفت می‌توانند منشاء اختلاف میان دولت میزبان و شرکت نفتی سرمایه‌گذار شود. فرض کنید یک قرارداد مشارکت در تولید در شرایط قیمت نفت ۲۵ دلاری منعقد شده باشد و سهم نفت شرکت در طول قرارداد ۱۰ میلیون بشکه بوده باشد، در این صورت ارزش این نفت در قیمت ۲۵ دلار (بعنوان یک برآورد ساده از درآمد شرکت) ۲۵۰ میلیون دلار خواهد بود اما با افزایش قیمت نفت به ۷۵ دلار عایدی شرکت سه برابر شده و حدود ۵۰۰ میلیون دلار به برآورد اولیه از عایدی شرکت اضافه می‌شود که تحمل این برای دولت میزبان مشکل خواهد بود و هرچقدر حجم مالی قرارداد بزرگتر باشد احتمال فشارهای دولت میزبان برای برگرداندن بخشی از این دلارها بیشتر خواهد شد. شاید بتوان بسیاری از اختلافات قراردادی و از جمله اختلافات دولت روسیه و شرکت شل در پروژه ساخالین-۲ را در این چارچوب تحلیل نمود. روس‌ها فشارهای زیادی را به شل وارد کرده‌اند و بخش اعظم سهام این شرکت را پس گرفته و به گازپروم منتقل کردند اما شل هنوز به پروژه علاقه نشان می‌دهد. در حالیکه افزایش قیمت جهانی نفت موجب شد که برخی از قراردادهای بیع متقابل ایران با تحویل نفت یا معیانات (در مورد پارس جنوبی) بسیار کمتر و در زمانی سریعتر تصفیه شود.

در هر حال بنظر می‌رسد که خصوصاً در شرایط فعلی صنعت جهانی نفت این مقوله نیاز به بررسی بیشتر و دقیق‌تری دارد و ارزیابی‌های دقیق‌تر می‌تواند هشیاری بیشتری را برای دست‌اندرکاران قراردادها فراهم آورد.

مدیر مسئول